# نمایشگاه خانه پدر

## مشخصات کتاب

نمایشگاه دستاوردهای مطالعاتی مربوط به طرح مرمت و توسعه حرم عسکریین علیهما السلام در سامرا

خادمین حرم سامرا

http://www.haramsamarra.com

http://www.haramsamerra.com

## درآمد

بسم الله الرحمن الرحیم

طرح ‹‹حفاظت›› و ‹‹توسعه›› مجموعه مقدس سامرا

مجموعه مقدس سامرا که از ‹‹حرم مطهر عسکریین علیهاالسلام›› و ‹‹مقام حضرت صاحب الامر علیه السلام ›› تشکیل شده است، یکی از چهار مکان اصلی مقدس درکشور عراق است. ویژگی های کم نظیر این مجموعه، آن را از دیگران اماکن مقدس مشابه متمایز می کند:

-مکان این مجموعه، ‹‹محل سکونت›› حضرات امامان دهم و یازدهم علیهماالسلام بوده است و قدمتی 1200 ساله دارد.

-‹‹مشهد›› و ‹‹مدفن›› دو امام پیش گفته در همین مجموعه است.

-‹‹مولد›› امام عصر علیه السلام و ‹‹منزل›› ایشان در دوره پنج ساله پیش از آغاز غیبت صغرا، نیز در همین مکان بوده است.

-امام عصر علیه السلام در طول بیش از 1150 سال دوران غیبت، بارها در ‹‹سداب مقدس››، که بخشی از منزل حضرات و نیز جزء اصلی ‹‹مقام حضرت صاحب الامر علیه السلام›› است، مشاهده گردیده اند.

-‹‹ساخت›› بنا، ‹‹توسعه››، ‹‹مرمت›› و ‹‹تزئین›› آن، به صورت مستمر در طول 1100 سال گذشته استمرار داشته است.

-این مکان و شهر سامرا که در پیرامون این مکان شکل گرفته، تنها مکان

-باقی مانده و زنده، از شهر وسیع سامرای عباسی است، که آن، از میراث جهانی به شمار می رود؛ اساسا عامل باقی ماندن شهر فعلی، همین مجموعه بوده است.

-در غالب دوران گذشته این شهر، بافت جمعیتی شهر، به گونه ای متفاوت با دیگر مشاهد مشرفه ایران و عراق بوده است و این، فعالیت های مختلف عمرانی را با چالش هایی مواجه کرده است.

-در مجموعه حرم سامرا بخش های تاریخی مهمی تا

کنون باقی مانده است که موضوع حفاظت را در این حرم طرح می کند.

هدف کلان فنی، حفاظت از ارزش های ملموس و ناملموس مجموعه مقدس سامرا و ارتقای کیفیت زیارت آن از طریق ‹‹حفاظت و مرمت بنای تاریخی مجموعه›› و ‹‹توسعه مجموعه›› است. تدوین طرح حفاظت، با بهره گیری از تجارب و منشور های جهانی حفاظت و مرمت و نیز با تکیه بر مستندات تاریخی انجام خواهد شد. این کار با انجام پژوهش های گسترده در شناخت وضع تاریخی و وضع موجود بناهای حرم و آسیب های راه یافته به کالبد آن امکان پذیراست. ‹‹طرح توسعه›› نیز با توجه به گشترده نیاز ها و الزامات روز پروژه، از نیاز های ضروری تا نیاز های بلند مدت، در دست مطالعه و طراحی است.

برای همکاری در طرح توسعه حرم مطهر سامرا، مهندسان مشاور پیرراز، که سابقه پروژه هایی مشابه را در کارنامه کاری خود دارد، به پروژه سامرا دعوت شد و عملا فعالیت های مطالعاتی و تحقیقاتی خود درباره این مجموعه را از اواخر اسفند ماه 1393 آغاز کرد؛ هرچند کار ساخت وساز این حرمشریف سال ها پیش و در پی انفجارها آغاز شده بود. آنچه می آید، گزارشی است مختصر از بخشی از مطالعات انجام شده در چهار ده ماه با صرف بیش از 1000نفر- ساعت و یافته های حاصل درباره مجوعه مقدس سامرا که در قالب نمایشگاه به نمایش درآمده و در این نوشتار، گزارش فهرست وارِ بخش هایی از آن ارئه می شود.

## جایگاه سامرا

از زمان احضار حضرات عسگریین علیهماالسلام به سامرا توسط متوکل عباسی، در حوالی سال 236 هجری قمری، ‹‹زندگی فرهنگی ›› در

شهر سامرا با محوریت مکان کنونی حرم جریان داشته است. بنابر گزارش های تاریخی، از زمان حیات امامان، شیعیان به حضور ایشان می رسیدند. گزارش زیبای دیدار ابن مهزیار اهوازی با امام هادی علیه السلام نمونه است از آمد شد شیعیان به سامرا.

مکان حرم افزون بر اینکه مدفن و مرقد شریف امام هادی علیه السلام و والدین امام زمان علیهماالسلام و جناب حکیمه خاتون سلام الله علیها است، منزل حضرات عسگریین علیهماالسلام نیز بوده است. این ویژگی جز درباره پیامبر و شاید یگانه دختر ایشان، درباره دیگر معصومان بی سابقه است. همچنین مابق حکایت شیرین ولادت امام عصر علیه السلام، ایشان در همین مکان متولد شده اند. امام زمان علیه السلام در دوران پنج ساله قبل از غیبت صغری، در همین مکان زندگی کرده اند. خانه پدری و قانونی حجت بن الحسن علیه السلام همین جاست و آن وجود شریف به این مکان رفت و آمد دارند و به زیارت قبر والدین خود تشریف می آورند. آن یگانه زمان در دوران بیش از هزار و صد ساله غیبت، بارها در آن حرم مطهر و سرداب مقدس، که باقی مانده منزل حضرت است و امامان به آنجا رفت و آمد داشته اند، رؤیت شده اند. اینها ویژگی هایی است که بی گفتگو، سامرا را حتی در میان عتبات و عالیات ممتاز می کند.

## شیوه کار

برای شناخت وضعیت تاریخی حرم مطهر سامرا مطالعات گسترده ای برپایه منابع متنوع – اعم از کتبی، شفاهی،تصویری و مادی- آغاز کردیم که همچنان در دست انجام است. در این راه با رجوع به حدود 300 منبع کتبی، بیش از 2000 یادداشت تهیه

کردیم؛ هر چند تعداد منابع مطالعه و بررسی شده بیش از این تعداد بود اما برخلاف انتظار، اطلاعاتی درباره موضوع نداشت. این متون از انواع گوناگونی جغرافیایی(شامل جغرافیای تاریخی و جغرافیای عمومی)، تاریخی (شامل تاریخ ایران و تاریخ اسلام و تواریخ محلی) فقه، سیره، زیارت، مزارات، رجال و انساب، سفرنامه ها(سیاحان ایرانی و غیرایرانی) و خاطرات است. این آثار، 1200سال – از سده دوم تا سده چهاردهم هجری قمری – تالیف شده اند. سعی بر این بود که برای شناخت وقایع هر دوره، فقط از منابع پدید آمده در همان دوره استفاده کنیم؛ برای نمونه، کتاب مشهور و مرجعماثر الکبری فی تاریخ سامرا اثر شیخ ذبیح الله محلاتی را، که بسیاری از پژوهش های پیشین در شناخت پیشینه حرم عسکریین علیهما السلام بدان بسنده کرده بودند، فقط برای وقایع و اتفاقات هم عصر مولف منبع دست اول قلمداد کرده ایم و کوشیده ایم برای وقایعی که پیش از آن روی داده

است به منابع دست اول دست یابییم. افزون بر متون ، اسناد موجود در برخی آرشیو های عمومی و خصوصی را، که حاوی اطلاعاتی راجه به حرم بود، جست و جو و شناسایی کردیم.

در مطالعات، به منابع کتبی بسنده نکردیم. دیگر انواع منابع حقایقی را درباره تاریخ 1200 ساله سامرای عسکریین علیهما السلام بر ما آشکار ساخت که در ماخذ مکتوبمغفول مانده بود؛ برای تهیه ‹‹منبع تصویری›› شامل نگاره ها و عکس ها، تا کنون به 37 نهاد داخلی و خارجی مراجعه و مدارک مرتبط را تهیه کرده ایم. نگاره های یافت شده، از جمله طومار کارستن نیبور و نگاره های موجود در نسخ خطی

عثمانی و ایران، از جمله در کتاب هدیه الزائرین، اطلاعاتی بی مانند از جزئیات بنای حرم و مقام پیش از تعمیرات دوره قاجار در اختیارمان گذاشت. همچنین عکسهایی که طی حدود 180 سال گذشته توسط عکاسان دوره قاجار، سیاحان غربی، گروه های نظامی، یا عکسان محلی تهیه شده است، وضعیت حرم را پیش از تغییرات و تخریب های چند دهه اخیر بر ما آشکار ساخت.

‹‹منابع شفاهی››، یعنی اشخاصی که وقایع گذشته را به چشم خویش دیده اند و بخاطر دارند، نیز اطلاعاتی ارزشمند درباره وضعیت حرم و شهر سامرا

در چندین دهه اخیر در اختیارمان گذاشتند. این افراد عمدتا از فرزندان علما و اعیان شیعیان سامرا و بانیان حرم عسکریین- همچون میرزای شیرازی، میرزا محمد طهرانی، شیخ عبد الرحیم غراوی، و سید عبدالحسین ذوالریاستین- بودند که سال ها در سامرا زیسته و با اوضاع شهر و اهالی آن آشنا بودند. برای دیدار و مصاحبه با ایشان، راه های دور و نزدیک را پیمودیم و به خدمتشان رفتیم.

بسیاری از منابع مادی اصیل به رغم همه تخریب ها و تغییرات کالبدی، هنوز در حرم وشهر سامرا باقی مانده اند. شناسایی آنها از یک سو، نخستین گام برای حفظت از آنها بود و از سوی دیگر، به منزله شاهدی تاریخی، اختیارمان می گذاشت.

از آغاز پروژه، در پی شناسایی و مستند سازی این آثار اصیل از جمله کاشی های قاجاری صحن، آثار چوبی همچون درها، و... بودم. برخی از این آثار مادی حاوی کتیبه هایی تاریخ دار است که گواه قدمت آن و بالتبع، گویای بخشی از تاریخ حرم

است. شناسایی قدمت برخی دیگر این آثار مادی به مدد علم

و فن آوری های روز، با نمونه برداری و اجرای آزمایش های سال یابی ممکن شد.

در مطالعات پروژه حاضر، ملزم به مشتند سازی همه یافته ها و تحلیل ها، چه برای رفع نیازهای و اجرایی کار و چه برای ارائه به مراکز جهانی بودیم. ازسوی

دیگر به سبب تخصصی بودن کار، به شناخت جزئیات و ظرایفی نیاز داشتیم که در بسیاری از پروژه های معمول تاریخی مطرح نیست. دامنه موضوعی تحقیقات حاضر نیز به حرم عسکریین علیهماالسلام محدود نبود و برای شناخت آن ناگزسر بودیم به حوزه ای بزرگ تر بپردازیم. در طی تاریخ، این حرم مطهر محور بقا و توسعه شهر

سامرا بوده است، چرا که شهر عظیم سامرای عباسی دکه در زمان معتصم بنا شد تا پایتخت خلافت عباسیان باشد. با انتقال پایتخت به بغداد رو به افول نهاد؛ تنها اثر باقی مانده از آن شهر که منشاء شکل گیری سامرای کنونی شد،‹‹مشهد عسگرین›› بود. در طول تاریخ، شهر و حرم در پیوند باهم بوده اند؛ حرم رگ حیات شهر بوده است و شهر در خدمت حرم. بنابر این، شناخت حرم مطهر عسکریین علیهما السلام فارغ از شهر سامرا نادرست و بلکه ناممکن می نمود و از همان ابتدا، حوزه مطالعات به کل شهر سامرا بسط یافت. شناخت درست شهر سامرا، در عین حال، از مهمترین ملزومات طرح توسعه حرم عسکریین و مهم ترین مقاصد پروژه حاضر بود. افزون بر این، به سبب پیوند های مادی و معنوی که زیارتگاهای مختلف شیعیان به ویژه در عراق دارند، برای شناخت حرم سامرا و اوضاع و احوال و حامیان و بانیان آن نا گزیر بودیم محدوده موضوعی

مطالعه را به کل عتبات عراق گسترش دهیم.

افزون بر گستردگی موضوع و منابع مطالعاتی، به سبب وضعیت ویژه شهر و حرم سامرا، در این راه دشواری های فراوانی داشتیم. سامرا به سبب دوری از دیگر شهر های زیارتی یا عللی دیگر که برای ما روشن نیست، کمتر از دیگر شهر های زیارتی عراق مورد توجه بوده است و در بسیاری از متون- که اطلاعاتی مفصل از دیگر عتبات داشت- اثری از سامرا نیافتیم. منابع تصویری موجود نیز به این مسئله مبتلا بود. از سوی دیگر وضعیت ویژه سامرا در سال های اخیر، امکان بازدید آزاد از شهر و مصاحبه با اهالی آن را از ما می گرفت. بنابراین، در منابع شفاهی، محدود به شیعیانی که در دوره حزب بعثت به ایران رانده شده اند. دسترس به نهاد های ذی ربط سامرا که احتمالا اطلاعاتی از وضع موجود شهر در اختیار دارند ناممکن بود و بسته بودن جریان اطلاعات از داخل عراق و مراکز دولتی و متولیان پروژه، دشواری ها را افزون می کرد. مجموعه این عوامل کار مطالعه و تحقیق را سخت و البته ارزش یافته ها را دو چندان می کرد.

در مراحل مختلف مطالعات، با صاحب نظران به نام حوزه تاریخ از جمله آقایان دکتر رسول جعفریان، دکتر سید محمدصادق سجادی، دکتر علی بهرامیان و احمد خامه یار مشورت کردیم و از راهنمایی های ایشان بهره بردیم. مشورت با ایشان از یک سو، سرنخ هایی از ایشان در اختیارمان قرار داد که با پیگیری بیشتر، اطلاعاتی ارزشمند نصیبمان کرد و از سوی دیگر، ما از درستی راهی که پیموده ایم و دشواری دستیابی به

اطلاعات تاریخی درباره سامرا مطمئن ساخت.

## نمونه های از یافته های تاریخی

از مطالعات گسترده ای که تا کنون به منظور تهیه طرح مرمت و توسعه حرم مطهر عسکزیین علیهما السلام انجام شده، نتایج و نو یافته های فراوانی حاصل شده است. آگاهی از

این یافته ها در تهیه طرح حفاظت و توسعه کاملا ضروری بود و بی شک بدون اینها مسیر تهیه طرح بر راه خطا پیموده می شد. در اینجا به برخی از این یافته ها اشاره می شود:

آبادانی و توسعه حرم مطهر سامرا به رغم وقوع حوادث بازدارنده گوناگون و آسیب های جدی و مکرر، در طول یازده قرن گذشته استمرار داشته است. پس از آنکه امامان دهم ویازدهم علیهما السلام در اواسط سده سوم در خانه خویش در سامرا به خاک سپرده شدند، این مکان در سده های بعد به مقبره و حرم ایشان بدل شد و به تدریج مرمت و تزئین شد و توسعه یافت. در بنای امروزین شواهد فراوانی از اشخاص و سلسله های مختلف – به ویژه خوانین دنبلی حاکم در خوی و شاهان قاجار در سده دواردهم – به چشم میخورد.

اگر چه اطلاعات ما از آبادانی حرم در برخی دوره های تاریخی ناچیز است، شواهد و سرنخ های به دست آمده از دوره های تاریخی دیگر به تکمیل یافته ها و پر کردن جاهای خالی و و کشف حلقه های گم شده در سیر آبادانی حرم کمک کرده است.

برای مثال، گزارش های سده هفتم مبنی بر تعمیر ضریح موسوم به بساسیری به دست خلیفه مستنصر عباسی، نشان داد در سده چهارم ضریحی به دست امیر ارسلان بساسیری بر مرقد مطهر امامان علیهما السلام نصب

شده است.

همچنین با مطالعه منابع تاریخی، می توان به سیر آبادانی و وضع آن در ادوار مختلف پی برد. افزون بر متونی که مستقیما به عمارت حرم و بانیان آن پرداخته اند، می توان از لابه لای گزارش های تاریخی دیگر به نکاتی ارزشمند در این باره دست یافت. مثلا گزارش های تاریخی دوران شاه اسماعیل صفوی در سده یازدهم که بیشتر درباره تزئین حرم است نشان می دهد در آن دوره بنای حرم وضع مطلوبی داشته است چرا که اگر بنای حرم سالم و برپا نبود، در تزئین آن نمی کوشیدند. ذکر اقدامات محدود افرادی چون شاه عباس صفوی که به ساخت و سازهای گسترده در دیگر عتبات شهره

بودند شاهدی است بر وضعیت مطلوب و آبادانی حرم عسکریین علیهما السلام در دوره ایشان. این اطلاعات تصور رایج را که عمارت حرم های شیعیان عمدتا مربوط به دوره صفوی است رد می کند.

افزون بر منابع نوشتاری، مداقه در کالبد حرم و شهر سامرا و پیرامون آن برخی نقاط تاریک را در بیشینه تاریخی حرم و شهر سامرا روشن کرد. مثلا شناسایی مقبره امام محمد دوری در شهر دور- در شمال سامرا – که بانی آن در سده پنجم بانی حرم عسکریین و مقام حضرت صاحب نیز بوده است، به روشن شدن وضع بنا و معماری حرم ومقام – به ویژه گنبد ارچین مسجد حضرت صاحب – تا پیش از سده دوازدهم انجامید. از این نوع گنبد مخروطی شکل و مطبق، نمئنه های فرائانی در دشت های سرزمین عراق وجود داشت و بنا بر پژوهش های صورت گرفته، بومی این سرزمین محسوب می شد.

از تنایج کلان

مطالعات، کشف حکمت و تدبیر گذشتگان و عبرت گرفتن از آن در طرح های امروزین مرمت و توسعه حرم سامرا بود. برای نمونه، گذشنگان از ساخت بناهای بیش از یک طبقه در پیرامون حرم مطهر حذر می کردند و بدین ترتیب این امکان را فراهم میکردند که حرم و گنبد بزرگ آن از همه جای شهر و بلکه از فرسخ ها دورتر از شهر به دبده آید. دیدار گنبد مطهر از دور هم اسباب به جا آوردن آداب زیارت و آماده شدن چشم و دل زوار پیش از رسیدن به آستانه حرم بود و هم عامل ارتباط شهر و حرم؛ ارتباطی که امروزه نیز لازمه حیات توامان شهر و حرم است. مثال دیگر نظام تزئینات کاشی کاری حرم است. پیشینیان ما با اینکه امکان کاربرد گشاده دستانه کاشی را داشتند، در استفاده از آن، گزینش گرایانه عمل میکردند. در گذشته ، در بخش های دورتر از روضه عسگریین علیهماالسلام استفاده از کاشی محدود به سر در های صحن و پشت بغل طاقنماهای آن بود و هرچه موضع به

روضه مطهر نزدیک تر بود، سطح بیشتری از آن کاشی کاری و کاشی ها مزین و ملون می شد.

در طول قرون گذشته، نقش علمای بزرگ شیعه در آبادانی حرم مطهر چشم گیر بوده است. اقدامات عمرانی در دوره خلیفه مستنصر عباسی، در ظل ارشاد احمد بن طاووس انجام شد. در دوران شاه سلطان حسین صفوی، علمای اصفهان نقشی اساسی در این مهم داشتند. تعمیرات دوره ناصرالدین شاه قاجار، به همت شیخ العراقین، که وصی امیر کبیر در خرج ثلث ما ترک او در عمران عتبات عالیات بود، صورت

گرفت و بالاخره حضور عالم عامل، میرزای شیرازی در چند دهه در سامرا، که مکتب سامرا را در حوزه علمیه پدید آورد، با اقدامات عمرانی مفصل در حرم مطهر و شهر سامرا همراه بود.

از دیگر فواید مطالعات انجام شده، تشخیص حدود بیت شریف حضرات و موقعیت قبر مطهر امامان عسکریین علیهما السلام بود. بالاتر بودن تراز ارتفاعی شهر سامرا نسبت به رود دجله، وضعیت زمین شناختی، و تنایج کاوش های باستان شناسی اوایل سده بیستم در شهر سامرای عباسی، بر وجود سرداب در منازل سامرا در سده سوم هجری دلالت می کرد. ضمنا کاوش های باستان شناسی و ذکر های موجود در متون سده سوم گواه بزرگی خانه های سامرای عباسی بود و فاصله کنونی میان سرداب مقدس و روضه مطهر را تبیین می کرد.

با مطالعه کتاب های مربوط به مزار ها و آداب زیارت، جنبه های دیگری از حرمیین عسکریین و مقام حضرت صاحب علیهم السلام روشن شد. از مهم ترین یافته ها این است که بر خلاف تصور معمول که ریشه زیارات سرداب را از قرن هفتم دانسته اند، ابن طاووس عالم بزرگ سده هفتم، که بیش از هفتاد کتاب دعا در کتابخانه خویش داشته است، از محمدبن عبدالله حمیری (زنده به سال 308)، که در زمان غیبت از طریق نواب اربعه مکاتباتی با امام عصر علیهم السلام داشته، زیارت «ندبه» را برای سرداب نقل کرده است. به بیانی دیگر، با توجه به همین اندک یافته ها، ریشه

زیارت سرداب مقدس به دوره غیبت صغری بر می گردد.

از شواهد تاییدکننده اصالت سرداب حضرت صاحب علیه السلام اختلاف راستای کشیدگی سردابه کهن با حرم مطهر

عسکریین علیهما السلام است. این موضوع نافی اصالت سرداب نیست بلکه شاهدی بر صحت قدمت آن است. سرداب مطهر زیر زمین منزل حضرات بوده است و جهتی همچون دیگر بناهای شهر سامرای عباسی در سده سوم داشته است. حال آنکه حرم مطهر بعدا در محل خانه حضرات ساخته شده استو جهت عمومی آن با جهت کلی بناهای شهر سامرای عباسی و به سوی قبله بوده است.

از شواهد اهمیت و قدمت سرداب حضرت صاحب در چوبی نفیسی است که کتیبه ای به تاریخ 606 هجری قمری دارد و به دستور خلیفه ناصر عباسی ساخته و بر

صفه مقدس سرداب نصب شده است. این اثر چوبی که در نوع خود کم نظیر و بلکه بی نظیر است؛ به لحاظ کیفیت از ارزش هنر بالایی برخوردار است تا آنجا که ناصرالدین شاه قاجار، که به اقدامات عمرانی گسترده در دوران حکومت خود پرداخته، زیبایی آن را به حدی دانسته که «عقل در آن حیران می ماند». وجود این در جوبی در سرداب حکایت از آن دارد که شکل سردابه بزرگ دست کم در هشت سده گذشته به شکل کنونی بوده است. همچنین این در نفیس و کهن و بالتبع، صفه و سرداب مطهر که در محمل آن است، جلوگاه برخی از کهن ترین و متقن ترین آثار فرهنگ شیعی و گواه قدمت و اصالت آن است.

یکی از یافته های ارزشمند طرح، داده های مربوط به مسجد مجاور حرم مطهر بود که تا همین اواخر به «جامع الکبیر» موسوم بود و مسجد برادران اهل تسنن به شمار می رفت. مطالعات انجام گرفته نشان داد که این مسجد در اصل،

«مسجد صاحب الامر علیه السلام»، یا مسجد«المهدی علیه السلام» نام داشته است. در سده پنجم(حدودا 960سال قبل)، مسلم بن قریش احتمالا به نیت گرامی داشت سرداب مقدس، بنایی بر فراز آن احداث کرده است. این بنا طی ده دقرن گذشته، شاهد آبادانی های گوناگون، از احداث گنبد و تزئین و احداث شبستان و ساخت صحن بود. ورودی اصلی سرداب با رعایت سلسله مراتب زیارت، از داخل همین مسجد بوده است. مسجد پیشگاه سرداب مقدس و مقدمه رسیدن به آن بود. به بیان دیگر، مسجد و صحن و سردر و دیگر اجزای مقام وابسته به سرداب مطهر و با اعتبار ارتباط با آن مقدس و متبرک بودند. در دوره حذب بعث، مداخلاتی در حرم عسکریین رخ داد که یکی از نتایج سوء آن فراموش شدن ماهیت مقام صاحب الامر علیه السلام بود. مسجد مقام در این دوره گسترشیافت، دسترس آن به سرداب مسدود شد و برای نخستین بار «جامع الکبیر» خوانده شد.

تامل در شواهد موجود حاکی از تفاوت ماهوی مقام صاحب الامر و روضه عسکریین

علیهم السلام و یگانگی آنها به رقم هم جواری است. روضه مدفن دو امام بزرگوار و در زمره مزارات مقدس شیعیان است و از حیث ویژگی های کالبدی و آداب زیارت به آنها شباهت دارد. اما مقام صاحب الامر مدفن و مزار نیست. مقام به سیاق دیگر مقامات مسلمان و شیعیان، هم چون مقام حضرت ابراهیم علیه السلام در مکه و مقام امام راضا علیه السلام در نیشابود یادگار و یادآور حضور افرادی مقدس و رویدا هایی مهم در تاریخ مسلمانان و شیعیان است. مقام صاحب الامر و سرداب مطهر از وجوه

مختلف یادآور و یادگار آخرین امام شیعیان، امام غایب و موعود، و از دیر باز منسوب به ایشان بوده است. بنابراین اساسا ماهیت مشهد عسکریین و مقام صاحب الامر با یکدیگر متفاوت است؛ این تفاوت بنیادین دلالت های آشکاری نیز دارد: برای مثال، نقل است که در گذشته حتی کلید داری مقام ومشهد نیز متفاوت بوده است. آداب زیارت دتر این مجموعه نیز موید این تفکیک است. مبتنی بر آداب نامه های زیارت، می دانیم که دست کم از سده ششم و هفتم زیارت مشهد و مقام از یک دیگر مجزا بوده است و زائران برای زیارت هر یک جداگانه «اذن دخول» می طلبند و اوراد ویژه ای تلاوت می کنند. این تفاوت ماهوی در کالبد مقام و مشهد نیز به شکلی بروز یافته است. اگر چه این دو در غالب مجموعه ای واحد قرار دارند و به یک دیگر پیوسته اند، از یکدیکر استقلال کالبدی دارند. بارز ترین نشانه ی آن این است که دو بنا به وضوح به دوجهت متفاوت رو کرده اند. اگر چه این دو بنا با مسیر های فرعی به یکدیگر مرتبط اند، ورودی اصلی هریک از مسیری مستقل در دسترس است.

با این مقدمه می توان گفت که بنای مجموعه حرم مطهر میراثی جهانی است وبه حکم ضرورت نحوه مداخله و مرمت و توسعه آن باید فارغ از صلایق شخصی و بر مدار منطق و استدلال و با بهره گیری از تجارب و منشور های بین المللی باشد. این رویکرد علاوه بر اینکه میتواند حمایت های جهانی را در پی داشته باشد، امکان بهره بردن از کارشناسان بین المللی را

فراهم می کند، عدم رعایت آن می تواند انتقادات جهانی

را در پی داشته باشد. تشخیص ارزش های ملموس و نا ملموس حرم مطهر سامرا و حفاظت از آنها یکی از مهمترین گام ها در زنده نگه داشتن این مجموعه بی نظیر مسلمانان و جهانیان است. نتیجه این نگاه میتواند به توسعه محدوده ی میراث جهانی شهر قدیمی سامرا و داخل شدن مجموعه حرم در این حوزه منتهی می شود. به علاوه، در سایه رویکرد جهانی است که دخل و تصرف های عمده در این بنا و برگشت آن به وضعیت مطلوب تاریخی موجه خواهد بود.

## برخی نتایج یافته ها از مطالعات جغرافیایی و اجتماعی شهر

حرم عسکریین علیهم السلام و مقام حضرت صاحب الامر علیه السلام در سامرا طی قرن ها ساخته و پرداخته شده و بنایی شکل گرفته است که امروز در آن حضرات را زیارت می کنیم و ایشان را در آن حاضر می بینیم. چنانکه در بخش «یافته های تاریخی» آمد، بزرکترین پادشاهان و وزیران و امیران و عالمان دین در دوره های مختلف به ساخت و تعمیر حرم و مقام همت کرده اند. وضع امروز حرم ومقام و شهر سامرا حاصل تمام کارهایی است که در سده های متمادی با سعی پیشینیان و درک عمیق آنان از زیارت و اوضاع و احوال حرم و شهر، و امارت حرم و ارتباط آن با شهر منتهی شده است. شناخت وضع موجود این شهر و بناها نیز با توجه به این مجاهدت ها و شناخت ها تاریخ بنا میسر است. در این بخش، با نگاهی که از مداقه در تاریخ بنا و شهر به دست آمده است به برخی یافته ها درباره جغرافیا و

وضع اجتماعی شهر سامرا و پیوند آن با حرم می پردازیم.

شهر سامرا اکنون در کشور عراق و استان صلاح الدین قرار دارد. در منابع معتبر، جمعیت شهر سامرا را پیش از وقایع سالهای اخیر عراق، 350 هزار نفر برشمرده اند.

شهر در شرق دجله بنا شده و توسعه یافته است و حرم در مرکز بخش تاریخی

شهر قرار دارد. در گذشته مرز های ولایات نه مبتنی بر تقسیمات قراردادی کشوری، بلکه مرز هایی طبیعی و منطبق بر پدیده های جغرافیایی و روابط اجتماعی و ساختار مدنی بود. سامرا نیز در مرز میان ولایات «جزیره» و «عراق عرب» قرار داشت. این دو ولایت مشخصات اقلیمی و جغرافیایی و اجتماعی متفاوتی داشتند. در طول تاریخ، سامرا بین این دو ولایت دست به دست می شد؛ زمانی ولایت جزیره به مرکزیت موصل پیوسته بود و زمانی به عراق عرب به مرکزیت بغداد. اقلیم این شهر نسبت به عراق عرب معتدل و نسبت به جزیره گرم و مرطوب است. به همین دلیل سامرا نزد ساکنان عراق عرب سرزمینی ییلاقی است. باد غالب شهر از شمال شرق به جنوب

شرق است. اثر شناخت این اقلیم را می توان در جای جای معماری بنا یافت. با دقت در این دست تدابیر و اثر آن در معماری می توان تجارب زیستی قرن های متمادی زندگی انسان در این منطقه را به امروز منتقل کرد. این قبیل یافته ها را باید با اطلاعات حاصل از علم امروز تدقیق کرد. نشانه های فراوانی در شهر سامرای کنونی هست که تامل در آنها ما به حقایق پایدار و غیر زمان مند رهنمون می شود. برای نمونه، برخی نشانه

ها حاکی از آن است که علت وجودی سامرای کنونی و تنها بهانه آبادانی و تداوم حیات در آن وجود حرم مطهر عسکریین علیهم السلام بوده است. سامرای کنونی بخشی بسیار کوچک از شهر عظیم «سرمن رای» بود که روزگاری پایتخت خلافت عباسیان به شمار می رفت. این شهر وسیع که ساخت آن گواه جاه طلبی خلفای عباسی بود، دولت مستعجل بود و عمری کوتاه داشت تا از ابتدای ساخت تا متروک شدن و ویرانی اش فقط نیم قرن طول کشید از همه آن شهر وسیع که به آبادانی و عظمت شهره بود، تنها محله ای کوچک در پیرامون خانه حضرات عسکریین علیهم السلام آبادان ماند که همچون واحه ای در میان ویرانه های شهر عباسی بود و به گواه متون تاریخی، به «مشهد عسکریین» شهرت داشت. بعدا شیعیانی که بانی امارت روضه عسکریین بودند بارویی در پیرامون این آبادی کوشیدند. به همت ایشان و به مبارکی نام امامان عسکریین علیهم السلام و حضرت صاحب الامر علیه السلام شهر سامرای کنونی در نقطه کنونی شکل گرفت و پایید. حال آنکه منابع زیستی در این نقطه بسیار محدود بود: سامرای در طول تاریخ بین دوشهر مهم و تاریخی بغداد و موصل قرار داشته است. در گذشته شاهراهی که این دو شهر را به هم می پیوست در شرق دجله بود و سامرا نیز یکی از منازل آن به شمار میرفت. زیست گاه های پیش از سامرای عباسی نیز در سرق دجله قرار داشتند. بستر رود دجله از سده هفدهم قمری، در ناحیه بین سامرا و بغداد جابه جا شد و به سمت شرق تغییر مسیر داد.

با جابه جایی دجله، راه اصلی

قطع و متروک شد. پس از آن شاهراه جدید بغداد به موصل در غرب دجله شکل گرفت و مسافران و کاروان ها از آن سوی دجله حرکت می کردند. در نتیجه، سامرا که پیش تر بر سر شاهراهی مهم بود در حاشیه قرار گرفت. عبور از رودخانه پهناور

دجله و دسترس به شهر سامرا نیز همواره دشوار بود. لذا، سامرا قرن هاست که از مواهب مادی هم جواری با شاهراه های مهم بی بهره است.

مسئله دیگر با بررسی نقشه اقلیمی و ظرفیت های کشاورزی منطقه حاصل می شود. سامرا در مرز منطقه کوهستانی در شمال و منطقه جلگه ای با آبیاری وسیع در جنوب قرار دارد. سامرا نه امکان دامداری و کشاورزی دیم مناطق شمالی را دارد و نه امکان زراعت آبی جلگه های جنوبی را. وضع زمین شناختی سامرا نیز نشان می دهد که خاک این منطقه برای کشاورزی مناسب نیست. معیشت مردم منطقه بیشتر در گرو دامداری طوایف وعشایر صحرا نشین و ماهی گیری است. سکونت بسیار محدود در این پیرامون ناحیه\_ نه حتی در خود آن\_ پیش از دوره عباسی نیز گواه محدودیت منابع زیستی آن است. پس آنچه این شهر را تا امروز زنده نگاه داشته است، چیست؟

همه شواهد حاکی از آن است که پس از سامرای عباسی، به اعتبار قرار گیری حرم عسکریین علیهما السلام در منطقه، نقطه ای جدید به نقاط زیستی تاریخی این ناحیه افزوده شد و آن جمعیت شیعیانی بود که گرد حرم امامان جمع شدند. حرم مهم ترین امکان زیستی سامرا شد و تا چند دهه پیش، معیشت مردم شهر از طریق

آن تامیین می شد. شهر قدیم سامرا پیرامون حرم و با حرم شکل گرفته است. این امر را می توان در چرخش شهر، آنجا که به حرم می رسد نیز دریافت. جهت گیری مناسب بناها در این منطقه راستای حدودی شمال غربی – جنوب شرقی دارد. حرم را هچون دیگر حرم ها و مساجد، رو به قبله ساخته اند. بناهایی از شهر که پیرامون حرم شکل گرفته اند به تبعیت از حرم به سوی قبله چرخیده اند. این بناها و نقاط شهر رابطه ای نزدیک تر با حرم داشته اند.

از گذشته در منطقه و شهر سامرا طوایفی می زیسته اند. بافت اجتماعی شهر حاصل کنار هم زیستن این طوایف است. این طوایف عمدتا سنی اند ولی حرم امام «علی الهادی»علیه السلام و امام «حسن العسکری» علیه السلام نزد آنان محترم

است. ایشان خود را منسوب به امام هادی علیه السلام می شمارند و از همینرو، روضه عسکریین را عزیز می دارند وزیارت می کنند. حرم عسکریین علیهما السلام در تمام زندگی مردم سنی شهر، از عروسی تا عزا، نقشی ویژه دارد. شناخت جایگاه حرم نزد مردم شهر و موضع آنان نسبت به امامان شیعیان و زوار ایشان می تواند بسیاری از تصمیمات توسعه و چند وچون رابطه حرم وشهررا متاثر کند.

کوشش اعیان و بزرگان شیعه در آبادانی شهر سامرا که بیشتر اهالی آن اهل تسنن بوده اند نشان می دهد که پیشینیان ما آبادانی حرم را در گرو آبادانی شهر می دانستند و به این موضوع، همچون سیاستی که امروز هم فراروی دست اندرکاران توسعه حرم مطهر است، توجه می کردند؛ سیاستی که پایایی امنیت حرم

را در گرو همراهی اهالی شهر، و منافع شهر و حرم را وابسته به همدیگر می داند. دستاورد اسلاف ما دراین راه، به عمارت و آبادانی حرم مطهر و تسهیل حضور زوار شیعه در این شهر سنی محدود نبود. چنان که میرزای شیرازی با حسن تدبیر خوییش توانست مهم ترین حوزه علمیه شیعه را در میان طوایف سنی سامرا برپا کند، آن هم در شرایطی که قدرت های استعمار گر بیگانه با انگیزه های سیاسی و از طریق دامن زدن به اختلافات مذهبی، در پی ایجاد تفرقه در جهان اسلام بودند.

حرم سامرا در میان اهل تشیع و برخی از اهل تسنن، به ویژه اهالی شهر سامرا، محترم و ارزشمند است. از این رو آسیب های وارد شده به این بنا برای ایشان درد و رنج بسیاری به بار آورد. همچنین سامرا و حرم آن ارزش های جهانی نیز دارد که با یاد آوری آن به جهانیان، آسیب های این بناها بسیاری مردم جهان را نیز دردمند خواهد کرد. این حساسیت مانع کسانی خواهد شد که خیال صدمه رساندن به حرم را داشته باشند. حرم و شهر پیرامون آن در حریم اثری ثبتی است. چندین سال پیش سامرای عباسی ثبت جهانیی شده است. این منطقه نقطه ای است که مطالعات

باستان شناختی اسلامی از آن آغاز شده است. نقشه هایی از حرم دردست است که بیش از صدسال قدمت دارد و در همین مطالعات برداشت و ترسیم شده است. وقایعی که در چندین سال اخیر بر حرم گذشته و نحوه بازسازی آن مانع ثبت جهانی این اثر ارزشمند شده است. در صورت ارائه برنامه ای برای اصلاح

وضع موجود و در پیش گرفتن رویکردی صحیح و علمی، می توان حرم سامرا را نیز در میراث جهانی ثبت کرد. با این کار ارزش های غیر قابل انکار این بنا به جهانیان یاد آوری خواهد شد و در عزمی جهانی پاسدار آن خواهد بود.

## سرداب حضرت صاحب الامر علیه السلام

حرم مطهر عسکریین علیهما السلام در سامرا یکی از چهار حرم مقدس شیعیان در کشور عراق امروز است. این حرم علاوه بر آنکه مشهد و آرامگاه امام دهم و یازدهم شیعیان – امام علی النقی وامام حسن عسکری علیهما السلام- است، محل زندگی

وخانه امامان عسکری و فرزند ایشان، حضرت مهدی علیه السلام در شهر سامرای عباسی در سده سوم هجری نیز بوده است. اگر چه امامان عسکریین پس از شهادت در خانه خود دفن شدند، به باور مسلمانان، تنها شاهد باقی مانده از خانه سده سومی ایشان سردابی است که امروز بخشی ار این مجموعه مقدس به شمار می رود.

باورهای متعدد و روایات مختلفی درباره سرداب مطهر موجود است. اما نقطه اشتراک همه این آرا و روایات انتساب این مکان به امام زمان علیه السلام است؛ همانکه به اینجا تقدس می بخشد و آن را به یکی از مهم ترین یادگار های امام غایب و مکانی برای ابراز احترام و ارادت مومنان به ایشان بدل می کند. اسناد تاریخی گواهی می دهد که شیعیان دست کم از سده ششم این مکان را مقدس و منسوب به امام موعود می پنداشتند. روایات وشواهد متعددی از سده های هفتم تا دوازدهم نیز در دست است که بر تداوم این معنا در این مکان گواهی می دهد.

تقدس این مکان نزد شیعیان سبب شد

تا به تدریج بنایی بر فراز آن بسازند و آن را در کنار آرامگاه امامان عسکریین علیهما السلام، «مقام» حضرت صاحب الزمان یا

صاحبالامرعلیهالسلامبنامند. حرمت آرامگاه عیکریین علیهما السلام و مقام حضرت صاحب علیهم السلام سبب شد که زائران بسیاری طی سده ها به زیارت آن بشتابند و در کار آبادانی و مرمت و تزئین آن بکوشند.

در اوایل سده سیزدهم هجری قمری، بنای روضه عسکریین علیهما السلام و بعدا بنای مقام به دست حکمرانان دنبلی آذربایجان اساسا تعمیر شد. یکی از مهم ترین اسناد تصویری در بازشناسی وضع تاریخی معماری این مجموعه تا پیش از سده سیزدهم، طومار نیبور است. در این طومار که در آن تصویر بسیاری از زیارتگاه های شیعه کشیده شده است، تصویری از حرم عسکریین و مقام حضرت صاحب علیهما السلام وجود دارد که با وضع امروزین و نیز آثار تعمیرات سده سیزدهم هجری متفاوت است و ما در شناخت وضع تاریخی و نسبت آرامگاه و مقام و اجزای معماری، یاری می دهد.

ضرورت شناخت وضع تاریخی این مجموعه مقدس از آنجا ناشی می شود که چنانکه گفتیم، طی چند دهه گذشته به تدریج این مجموعه به صورت کلان و خرد بازسازی شد و مقام حضرت صاحب علیه السلام و مدفن امامان عسکریین علیهما السلام به حرمی یکپارچه تبدیل شد وبناهایی نو ساز به این دو بنای مقدس و تاریخی افزوده شد. یکپارچگی صحن ها، سخت شبستان شمالی و ایوان های ستون دار و تغییر اساسی آداب و ترتیب زیارت مقام و سرداب تا حد زیادی، کیفیت زیارت این کان مقدس و ارزش های ناشی از زیارت را تغییر داد.

## کلام آخر

نکاتی چند

که با رجوع به چندین منبع حاصل ودر بالا فهرست شد و ده ها دلالت دیگر حاکی از آن است که غور در اسناد و مدارک گذشته، ثمرات بی شماری در حوزه های گوناگون در پی خواهد داشت که حیف است نپرداختن بدان و بی بهره ماندن از آن. رشتن تار این داده ها به پود آموزه های علم و فناوری امروز، می تواند مسیری مطلوب را برای مرمت و توسعه این بنای معظم رقم زند. ثمرات غیر فنی بزرگداشت این بنای تاریخی نیز آشکار است. اینها آثار غیر قابل انکار فرهنگ شیعی است ودر روزگار شیعه ستیز کنونی، نماد هایی بارز از اصالت آن.